



سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس
ارتش جمهوری اسلامی ایران

انتقالی با ۱۴۰۰۰ صلوات

نویسنده: محمدحسن صادق زاده بوده

سال ۱۳۹۰

صادق زاده ، محمد حسن ، ۱۳۴۰

انتقالی با ۱۴۰۰۰ صلوات / نویسنده محمد حسن صادق زاده پوده

تهران : سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی

ایران ، ۱۳۹۰

۱۲۰ ص

۱۰۰۰۰ ریال

فیبا: ۹-۲-۶۰۳۰-۶۰۰-۹۷۸

نصر اصفهانی ، محمد جعفر ، ۱۳۷۵-۱۳۳۹

جنگ ایران و عراق ۱۳۵۹-۱۳۶۷- شهیدان

سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۹ ۱۶ ص ۵۴/ن ۱۶۲۶ DSR

۹۵۵/۰۸۳۳۰۹۲

۲۲-۴۸۵۲

انتقالی با ۱۴۰۰۰ صلوات

مولف : محمد حسن صادق زاده پوده

صفحه آرایشی و طرح جلد : بهنام سیفان

ویراستاری : بهزاد میراحمدی

کنترل نهایی : محمد رضا تقی زاده

نوبت چاپ : اول

سال چاپ: ۱۳۹۰

شمارگان : ۴۰۰۰

چاپ ، لیتوگرافی ، صحافی : چاپخانه کوروش

شابک : ۹-۲-۶۰۳۰-۶۰۰-۹۷۸

قیمت ۱۰۰۰۰ ریال

ناشر : انتشارات سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس

ارتش جمهوری اسلامی ایران

معرفی نویسنده



محمدحسن صادق زاده در سال
۱۳۲۶ در اصفهان متولد و در
سال ۱۳۴۵ به استخدام ارتش
در آمد، در سال ۱۳۵۳ وارد
دانشکده افسری شد. پس از

دریافت درجه ستوانی به هنگ دانشجویان اصفهان
منتقل گردید. در ماه‌های اوج‌گیری انقلاب اسلامی در
سال ۱۳۵۷ مدتی به علت فعالیت در جهت پیروزی
انقلاب اسلامی بازداشت شد. از سال ۱۳۵۸ تا سال
۱۳۶۲ عهده‌دار مشاغلی چون مسئولیت انجمن
اسلامی پادگان سقز، فرمانده انشمار توپخانه،
سرپرستی عقیدتی سیاسی تیپ ۲ سقز، مسئول بسیج
کردستان و فرمانده گروهان قرارگاه شمال غرب و
رئیس بازرسی لشکر ۲۸ سنندج بوده است. از سال
۱۳۶۲ به اصفهان منتقل و در مشاغل تدریس در

سخن ناشر

انسان گاهی می‌ماند که چه بگوید! چه بنویسد! حتی گاهی نمی‌داند چگونه توصیف کند، توصیف یک گل کاری آسان است، حتی وقتی از یک افسری سخن به میان می‌آید که زندگی او وقف کارش است، آسان است، اما وقتی از یک افسری سخن به میان می‌آید که زندگی او وقف دین شده، دیگر به راحتی نمی‌توان او را وصف کرد. وقتی می‌خواستم مقدمه‌ای بر این کتاب بنویسم با خود گفتم کدام صفت و ویژگی او را بیان کنم که حق مطلب را ادا کرده باشم راستی چه بنویسم؟!

بنویسم او در یک خانواده متوسط رشد کرد و بخشی از روزگار را در طاعوت سپری نمود و در اوج جوانی با خطر رفیق شده و پنجه در پنجه ریسک انداخت و با این شیوه آینده خود را انتخاب کرد! و با روح بلندش مبارزه با طاعوت سرلوحه کارش بود و در اوج جوانی به مصاف خطر رفته، لرزه بر کاخ اهریمنان انداخته و در مسیر الهی شیوه آینده خود را انتخاب کرد.

دانشکده پدافند هوایی، رئیس بازرسی گروه ۵۵
توپخانه و استاد قوانین تیر دانشکده توپخانه صحرایی
مشغول انجام وظیفه بوده است. مشارالیه در سال
۱۳۶۵ به دوره عالی رسته‌ای اعزام و پس از اتمام دوره
به لشکر ۵۸ منتقل و در سمت فرمانده گردان توپخانه
خدمت نمود. پس از یک سال به لشکر ۲۸ منتقل و در
آن لشکر مسئولیت رئیس آجودانی و جهاد خودکفائی
را عهده‌دار گردید. نامبرده جهت نیاز خدمتی در
سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ در آمادگاه اصلی اصفهان
خدمت نمود و نهایتاً در سال ۱۳۷۳ به لشکر ۷۷ پیاده
پیروز خراسان منتقل و مسئولیت رئیس آجودانی و
فرمانده خدمات آن لشکر را هم‌زمان عهده‌دار بود و با
درجه سرهنگی به افتخار بازنشستگی نائل گردید.

ذکر خدا بر لبش و یاد آخرت در دلش بود. در آخر عمر با برکتش همیشه ذکر می‌گفت و لحظه‌ای از آن غافل نبود. کارش بی منت، خدمت‌گزاریش بی غفلت، نقش‌آفرینیش با کرامت، منادی وحدت، علوی با عزت و نظامی با نجابت و دقت بود. در خانه و خانواده به عنوان مردی مقید، در محیط کار به عنوان فرمانده‌ای دلسوز برای همه بود. محمدجعفر نصر اصفهانی از بهترین دوستان و خدمت‌گزاران و خادمان مسجد شهید لویزان بود. در نهایت او به فیض عظیم شهادت که به فرموده پیر و مراد ما از انبیاء (ص) به ما ارث رسیده است نائل شد و در میان سیل انبوه مردم ولایت مدار در بهشت زهرا (س) آرامید، تا در دنیا و عقبی شهید صیادشیرازی را که مرادش بود، تنها نگذارد.

سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس

ارتش جمهوری اسلامی ایران

سرتیپ دوم ستاد حسن سیفی

بنویسم که او ارتش را برگزید زیرا نیاز بدان را بیشتر احساس می‌کرد. بنویسم که او سربازی ولایت را در کنار شهید صیاد انتخاب کرد و خلق و خوی او را برگزید و نه تنها سرباز! بلکه یار و یاورش گردید.

بنویسم که او اخلاقش نمونه بود. او خستگی را خسته کرد. با پُرکاری مداوم و تلاش همیشگی، به پا در رکابی معنا داد. او آموخت اگر کسی ادعای اطاعت از ولی فقیه دارد، باید روز خطر در نوک حمله، در هنگام خوشی و شادی در لشکر خدمت‌گزار، در روزگار محنت و غم یار و یاور، در نماز جماعت صف اول، در نماز جمعه حضور مداوم، در تظاهرات حمایت از نظام فریادگری پرخروش باشد.

اگر می‌فهمید کسی مشکلی دارد و نیاز است او سفارش کند، دریغ نمی‌کرد. با این منش محبوب و مقبول شد، گرچه برخی به او حسادت می‌کردند، اما او از کسی نمی‌رنجید. صورتی بشاش و قلبی آکنده از غم دردمندان داشت و در خدمت سر از پا نمی‌شناخت.

ارتش جمهوری اسلامی ایران را میدان خدمت دید، انتخابی عاقلانه و آگاهانه نمود و تا زمان شهادت که هنوز بیش از ۱۲ سال از خدمت افسری را نگذرانده بود، به مدارجی رسید که در ارتش تا کنون کمتر کسی در این مدت کوتاه به آن رسیده است. ایشان هنگام شهادت فرماندهی تیپ ۱ لشکر ۷۷ پیروز خراسان را عهده دار بود که خود یکی از لشکریان سنگین ارتش جمهوری اسلامی ایران است که این راه را افسران شایسته، در زمان خیلی طولانی‌تری می‌پیمایند. این شهید بزرگوار که می‌تواند الگوی مناسبی برای جوانان ایران اسلامی باشد، امیر شهید محمد جعفر نصر اصفهانی است. از آنجائی که ایشان عاشق حضرت زهرا(س) بود، این کتاب شب شهادت آن بانوی بزرگوار اسلام به اتمام رسید. امید است که روز نیاز دستگیرم باشد.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

محمد حسن صادق‌زاده

سخنی با خواننده

آنچه در این کتاب آورده شده است، زوایای واقعی از زندگی یک مرد بزرگ و شهید والامقام است که با وجود عمر کوتاه خود خاطرات سازنده‌ای را برای نسل‌های آینده باقی گذاشت. او که در کوران پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران در زمره دانش‌آموزان فعال انقلاب و به تمام معنا ولایتی بود، آگاهانه ارتش جمهوری اسلامی ایران را برای خدمت انتخاب کرد و مقام شامخ افسری را به عنوان سکوی پرش جهت رسیدن به قله رفیع شهادت برگزید. وی در حالی وارد دانشکده افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران شد که دوستانش دائماً سفارش رفتن در ارگان‌های انقلابی را به او می‌نمودند و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را جای مناسب تری برایش معرفی می‌کردند، اما ایشان که می‌خواست با دید باز و دانسته مسیر آینده خودش را ترسیم نماید، ابتدا به صورت سرباز وظیفه ارتش را آزمایش نمود و سپس هنگامی که محیط